

موازنه باکو: تردستی آذربایجان در رابطه همزمان با اسرائیل و ایران

به قلم دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

۷ اکتبر ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/baku-balance-how-azerbaijan-juggles-israel-and-iran

العربية (/ar/policy-analysis/myzan-bakw-kyf-ttlab-adhrbyjan-basrayyl-wayran/)

درباره نویسنده



دیوید پولاک (/fa/experts/dywyd-pwlak-0/)

دیوید پولاک هموند برنستاین و مدیر «پروژه فکرة» در انستیتو واشنگتن است. وی در گذشته به عنوان مشاور ارشد وزارت خارجه ایالات متحده در بخش خاورمیانه بزرگ با تمرکز بر حقوق زنان و به عنوان کارشناس منطقه‌ای «ستاد برنامه‌ریزی سیاسی» وزیر خارجه فعالیت داشته است.



تحلیل کوتاه

مناقشه جاری قفقاز میان آذربایجان و ارمنستان موردی استثنایی است که در آن اسرائیل و ایران گرچه ادعای بی‌طرفی دارند در واقع به یک طرف واحد گرایش دارند: آذربایجان اسرائیل نفت آذربایجان را می‌خرد و به آن سلاح‌های پیشرفته‌ای می‌فروشد که حالا استفاده مرگباری از آن‌ها می‌شود.

ایران هم حمایت خود را از «تمامیت ارضی» آذربایجان اعلام می‌کند. رمزواره‌ای برای ادعای مالکیت آذربایجان بر ناگورنو-قره‌باغ و قلمرو مجاور آن که تحت کنترل جدایی‌طلبان ارمنی قرار دارد. چگونه این کشور کوچک اما غنی از نفت و گاز با ۱۰ میلیون مسلمان عمدتاً شیعه درست در مرز شمالی ایران این کار مهم ژئوپلیتیک و برجسته را مدیریت می‌کند.

چند سال پیش در جست‌وجوی پاسخ این سوال به باکو سفر کردم تا در کنفرانس اندیشکده «مطالعات راهبردی» و در آکادمی دیپلماسی شهر سخنرانی کنم و از آن زمان تماس خود را با برخی همکاران آذربایجانی حفظ کرده‌ام. آن‌ها اغلب جدی ولی خونگرم شدیداً ملی‌گرا و همزمان جهان‌وطن اند و بسیاری از آن‌ها به چندین زبان کاملاً بی‌ارتباط تکلم می‌کنند: زبان بومی آذربایجان که به ترکی [استانبولی] بسیار نزدیک است به علاوه روسی انگلیسی فارسی و گاهی حتی عربی. ولی این قابلیت‌های شخصیتی توانایی کشورشان را برای مدیریت رقابت‌های منطقه‌ای همسایه بسیار بزرگ‌ترشان به طور کامل توضیح نمی‌دهد.

یکی از موضوعاتی که در این اولین سفرم دریافتم این بود که دموکراسی پاسخ مطالبه آذربایجان برای امنیت ثبات یا جلب حمایت قدرت‌های خارجی رقیب نیست. این کشور از زمان فروپاشی اتحاد شوروی و کسب استقلال در ۱۹۹۱ فقط تحت فرمان یک خانواده بوده است: نخست حیدر علی‌اف یکی از دیکتاتورهای باقیمانده از دوران کمونیست و حالا پسرش الهام علی‌اف که همان‌قدر مستبد است. اگر زمزمه اعتراضی شنیده شود دلارهای نفتی و احساسات ضد-ارمنی معمولاً کافی است تا آن‌ها را خاموش کند. یکی از آشنایان محلی بدبینی غالب درباره دموکراسی را این‌گونه خلاصه می‌کرد: «بله ما پارلمان داریم ولی برخی از اعضای آن حتی زحمت حاضر شدن در پارلمان را به خودشان نمی‌دهند. من نمی‌فهمم حداقل رای خود را بفروشید!»

در واقع راز موفقیت سیاست خارجی آذربایجان تا کنون موازنه بسیار ظریف و عاقدانه بین منافع و تهدیدات است. دولت و نخبگان آن در ظاهر مسلمان شیعه هستند ولی تقریباً همه آن‌ها در عمل سکولارند و به طور کلی از حکومت سرکوبگر روحانیون در ایران متنفرند.

اما همزمان از عوامل ایران و نیروهای نیابتی حزب‌الله در خاک خود هراس دارند یعنی کسانی که هزارگانه‌ی تلاش کرده‌اند به اهداف اسرائیلی یا آمریکایی در آذربایجان حمله کنند.

نکته کمتر آشکار اما نه کم‌اهمیت‌تر این است که مردم آذربایجان نگران میلیون‌ها نفر از هم‌تباران خود در آن سوی مرز هستند که بزرگ‌ترین اقلیت ایران را تشکیل می‌دهند و جمعیت آن‌ها تقریباً دوبرابر جمعیت آذری‌های خود جمهوری آذربایجان است. در مقابل رژیم ایران نگران همدلی‌های بالقوه «ملی‌گرایانه» اتباع آذری خود نسبت به هم‌تباران ثروتمندتر سالم‌تر و به لحاظ اجتماعی آزادتر آن سوی مرز در جمهوری آذربایجان است. ازین رو هر دو دولت مراقب اند که روابط تجاری و دیپلماتیک سالمی را حفظ کنند تا هم از خودشان و هم از بستگان دورشان در تبریز یا تهران محافظت کنند و اطمینان حاصل می‌کنند که اسرائیلی‌ها بیش‌ازحد ایران را مستقیم از خاک آذربایجان تهدید نکنند.

یک نمونه بارز کلاسیک که هرگز به طور رسمی از سوی هیچ‌یک از طرف‌های ذی‌نفع پذیرفته نشد حدود یک دهه پیش رخ داد. در اوج تنش لاینحل آن دوره بر سر برنامه هسته‌ای ایران شایعاتی جدی منتشر شد مبنی بر این‌که اسرائیل در شرف بمباران تاسیسات اتمی ایران است. حتی گزارشی در مطبوعات منتشر شد مبنی بر این‌که هواپیماهای نظامی اسرائیل به پایگاه‌های نزدیک در آذربایجان منتقل شده‌اند. ولی انتشار آن گزارش به‌خودی‌خود باعث لغو نقشه شد. اگر اصلاً چنان نقشه‌ای وجود داشت این درز اطلاعاتی حاکی از این بود که باکو یا شاید واشنگتن یا هر دو با هرگونه اقدام این‌چنینی مخالف بودند و تصمیم به افشا و در نتیجه پیشگیری از آن گرفتند.

درعین حال آذربایجان برای مقابله با تهدیدات بالقوه در امنیت داخلی یا دیگر تهدیدات از سوی ایران تاحدی به اسرائیل متکی است. بخشی از آن شامل حوزه اطلاعاتی هشدار زودهنگام امنیت سایبری تجهیزات پیشرفته و آموزش آن‌ها و امثال این‌هاست. برخی همکاری‌ها بیشتر ماهیت سیاسی دارند: مقامات و کارشناسان آذربایجانی چه‌بسا به‌درستی معتقدند که پیوندهای نزدیک‌شان با اسرائیل به تثبیت روابط خوب‌شان با آمریکا کمک می‌کند. آمریکا هم منافع جدی و مشترک خودش را در مهار ایران و محافظت از آذربایجان علیه نفوذ ایران دارد. یک گام اخیر و بسیار نمادین در این رقص دیپلماتیک حضور کاملاً علنی سفیر آذربایجان در واشنگتن که بین هئیت‌های عمدتاً مسلمان نادر است در مراسم امضای توافقات جدید صلح اسرائیل امارات و بحرین در کاخ سفید بود.

این رابطه مستحکم با آمریکا مستقیماً در بازی ژئوپلیتیک بزرگ‌تری که باکو باید بین آمریکا و روسیه انجام دهد تاثیر می‌گذارد. به چشم آذربایجانی‌ها روابط حسنه با هر دو برای حفاظت از کشور علیه نه‌فقط نقشه‌های احتمالی ایران که همچنین علیه بلندپروازی‌های روسیه هم ضروری است. چه در کشور همسایه ارمنستان صورت گیرد یا در کشورهای ساحلی و سرشار از انرژی خزر و یا در داخل خود آذربایجان. میزبانان آذربایجانی‌ام به من گفتند ارمنی‌ها که اقلیت کوچکی هستند بدون حمایت نظامی واقعی روسیه نمی‌توانند ناگورنو-قره‌باغ را نگه دارند. ولی آذربایجان دقیقاً به دلیل اجتناب از پیامدهای امنیتی بدتر به‌هرحال تقریباً چاره‌ای جز همراهی با روسیه ندارد.

پس باکو برای منافع خودش کماکان به موازنه سیاسی خود میان این بازیگران منطقه‌ای و جهانی مخالف با یکدیگر ادامه می‌دهد: یعنی اسرائیل و ایران و آمریکایی‌ها و روس‌ها. نکته کلیدی این است که هرگز کاملاً یا انحصاراً با هیچ‌یک از آن‌ها هم‌سو نشود تا هیچ‌کدام‌شان تحریک نشوند که واکنش تندی نشان دهند و همه آن‌ها نفعی در همکاری داشته باشند. در مناقشه جاری ترکیه هم به نفع آذربایجان وارد دعوا شده است. گرچه تا حال حمایتش بیشتر لفظی بوده تا واقعی.

با این همه تا اینجا بعید به نظر می‌رسد که حتی این ترکیب واقعا غیرعادی از متحدان آذربایجان را قادر سازد تمام سرزمین‌های مورد اختلاف خود را پس بگیرد. آذربایجان ممکن است همیشه در معرض خطر بالقوه از سوی همسایگان بسیار قدرتمندتر خود یا جرقه‌هایی از شورش مخالفان داخلی باقی بماند. ولی محتمل‌ترین سناریو این است که مهارت باکو در کنار هم نگه‌داشتن متحدان بی‌شباهت به هم کماکان موجب حفظ منافع اساسی خودش شود بدون آن‌که تغییری بنیادی در تنش‌های آنان ایجاد کند. نه اسرائیل و نه ایران در وضعی قرار ندارند که از پیوندهای خود با آذربایجان امتیازی قطعی کسب کنند و این دقیقاً همان چیزی‌ست که باکو می‌خواهد.





BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

١١ جوريه ٢٠٢٢



Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



BRIEF ANALYSIS

Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

١١ جوريه ٢٠٢٢



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

٩ جوريه ٢٠٢٢



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)